



بخش انرژی ایران بازگشتی همراه با موانع

مؤسسه مطالعات انرژی آکسفورد

ترجمه شده در
مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری
۱۳۹۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان گزارش: بخش انرژی ایران: بازگشتی همراه با موانع

Iranian Energy: a comeback with hurdles

نویسنده: دیوید رامین جلیوند

David Ramin Jalilvand

ناشر: مؤسسه مطالعات انرژی آکسفورد

Oxford Institute for Energy Studies

تاریخ انتشار: ژانویه ۲۰۱۷

گروه ترجمه: محسن محمودی، جواد عرب یارمحمدی

ناظران: ابوالفضل غیاثوند، ابوالقاسم اسکندری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

فهرست مطالب

۴ ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی
۵ گزارشی از اوضاع: بازگشت به وضعیت پیش از تحریم‌ها
۹ بازی قدرت داخلی: ایجاد یک موازنه
۱۲ همکاری بین‌المللی: محکم‌کاری
۱۵ بازگشت همراه با مانع: مسیر پیش رو

ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط‌زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

سرپرست مرکز بررسی‌های استراتژیک

یک سال پیش، در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶، توافق هسته‌ای ایران به‌طور رسمی حالت اجرایی به خود گرفت. این توافق که رسماً با عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) شناخته می‌شود در ژوئیه ۲۰۱۵ بین ایران و E3+3 یعنی ۳ دولت اروپایی فرانسه، آلمان و بریتانیا و ۳ قدرت جهانی چین، روسیه و آمریکا منعقد شد. در حقیقت، برجام اجازه می‌دهد که در ازای برخی محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران و بازرسی‌های بیشتر بین‌المللی، شماری از تحریم‌های این کشور برداشته شود.^۱

در بخش انرژی، برجام با امیدها و انتظارات برای احیای آن توأم شد. تحریم‌ها به مدت چند سال این صنعت را محدود کرده بودند و در کنار سایر پیامدها، این تحریم‌ها شرکت‌های غربی را مجبور به ترک ایران نمودند که در نتیجه آن، شاهد کاهش تولید و صادرات نفت بودیم. در واقع، اجرای برجام با برداشتن تحریم‌های مربوط به بخش انرژی همراه شد و شرکت‌های نفتی بین‌المللی^۲ متعددی را جهت رفتن به ایران و کشف ظرفیت‌های آن برای همکاری تشویق می‌کرد.

با عنایت به این پیشینه، بررسی محاسن برجام برای بخش انرژی ایران تا کنون، که در واقع یک سال از اجرای آن می‌گذرد، شایان توجه است. در سطور پایین عنوان کرده‌ایم که دولت کنونی ایران برای برقراری تعادل بین مراکز مختلف قدرت در داخل تلاش نموده و در عین حال کوشیده تا مخاطرات عرصه بین‌المللی را کاهش دهد. با این حال، در حقیقت، پیشرفت واقعی صورت گرفته تا زمان حاضر، تا اندازه‌ای متوسط بوده است. ایران تولید نفت خود را به سطح قبل از تحریم‌ها افزایش داده، اما هنوز در انتظار گسترش ظرفیت تولیدی خود است.^۳ در این میان، تردیدها پیرامون چشم‌انداز بخش انرژی ایران افزایش یافته است، چرا که آینده^۴ سیاست‌های ایالات متحده، به‌ویژه با سرکار آمدن ترامپ و انتقادات صریحش از برجام، نامشخص است.

گزارشی از اوضاع: بازگشت به وضعیت پیش از تحریم‌ها

پیش از اجرای برجام در ژانویه ۲۰۱۶، مجموعه‌ای پیچیده از تحریم‌هایی که اتحادیه اروپا، سازمان ملل و ایالات متحده وضع کرده بودند، علیه ایران اجرایی شدند. این تحریم‌ها از جمله شرکت‌های نفتی بین‌المللی اروپایی را وادار به ترک ایران کرد، فروش بین‌المللی نفت ایران را محدود ساخت، جلوی سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی و اروپایی را در بخش انرژی ایران گرفت، ایران را از شبکه بانکی سوئیفت اخراج کرد و عملاً بانک‌های بزرگ و شرکت‌های بیمه اروپایی را مجبور کرد که مبادلات خود با این کشور را متوقف نمایند.^۴ این تحریم‌ها ضربه سختی به بخش انرژی ایران وارد آوردند. در سال ۲۰۱۳ تولید نفت به ۲/۷ میلیون

^۱ Samore, Gary: The Iran Nuclear Deal: A Definitive Guide, Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard University, Cambridge, MA, 2015.

^۲ international oil companies (IOCs)

^۳ تولید کنونی در سطح ۴ میلیون بشکه ثابت باقی مانده است. ایران امیدوار است که سقف تولید خود را در سال ۲۰۲۰ به ۴/۷ میلیون بشکه در روز برساند.

^۴ International Crisis Group: 'Spider Web: The Making and Unmaking of Iran Sanctions', 2013.

بشکه در روز کاهش پیدا کرد و این کاهش در مقایسه با ۳/۷ میلیون بشکه در روز سال ۲۰۱۱، ملموس بود. سپس صادرات نفت از ۲/۶ به ۱/۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافت.^۱ با وجود اینکه ایران توانست تولید گاز طبیعی خود را افزایش دهد، تحریم‌ها مانع دسترسی این کشور به آخرین فن‌آوری‌های مربوط به ال‌ان‌جی (گاز مایع طبیعی) شدند.

ایران در پاسخ به تحریم‌ها، چند سیاست مقابله‌ای را تحت عنوان آنچه عمدتاً «اقتصاد مقاومتی» خوانده می‌شد، در پیش گرفت. هدف از این سیاست‌ها، افزایش قابلیت‌های داخلی و خودکفایی بیشتر از کسب و کار و تجارت بین‌المللی بود که در پرتو تحریم‌ها، پاشنه آشیل کشور تلقی می‌شد.^۲ در بخش انرژی ایران، شرکت‌های داخلی - خصوصاً شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که خود قبل و بعد از برجام دستخوش تحریم‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده بوده - در صدد پر کردن خلاء برجای مانده از کناره‌گیری شرکت‌های نفتی بین‌المللی اروپا برآمدند. اگرچه سپاه پاسداران هنگامی که در دهه ۲۰۱۰ وارد این بخش می‌شد (در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد)، تجربه چندان در صنعت انرژی نداشت، اما به هر ترتیبی که بود توانست افزایش تولید میدان‌های نفتی و رشد صنعت گاز را حفظ نماید (هرچند عملکرد این بخش‌ها در مقایسه با استانداردهای این صنعت نسبتاً ضعیف بود). با همه این اوصاف، نه سپاه و نه شرکت ملی نفت ایران که رسماً سکان‌دار این بخش محسوب می‌شد، نتوانستند که فقدان همکاری با شرکای غربی را جبران نمایند. در دوران تحریم‌ها، ایران با وجود پیشرفت اندک خود قادر نبود که جلوی افول صنعت انرژی خود را بگیرد.

لغو برخی از تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدود شده از جمله دستاوردهای اجرای برجام در ژانویه ۲۰۱۶ بودند. اتحادیه اروپا (که تحریم‌های انرژی و مالی آن برای ایران دردناک بود) و سازمان ملل، هر دو به تحریم‌ها پایان دادند. ایالات متحده با استفاده از به اصطلاح حق ریاست جمهوری در زمینه خودداری از اجرای قوانین تحریمی،^۳ تحریم‌های ثانویه مرتبط با اشاعه تسلیحات هسته‌ای را لغو کرد (تحریم‌هایی که اتباع غیر آمریکایی را در خارج از حوزه قضایی ایالات متحده مورد هدف قرار می‌دادند)؛ این تحریم‌ها مصوب باقی مانده‌اند، اما اجرایی نمی‌شوند. با این حال، تحریم‌های اولیه ایالات متحده، به خاطر نقض حقوق بشر و

^۱ U.S. Energy Information Administration: 'Iran Country Analysis Brief', Washington, DC, 2015.

^۲ Guardian: 'Deciphering the Iranian leader's call for a "resistance economy"', 19 April 2016.

^۳ Waiver

waiver یا خودداری از اجرای قوانین تحریمی. برخی از تحریم‌های آمریکا به موجب قوانین وضع شده‌اند و بنابراین دولت آمریکا اختیار لغو یا تعلیق آنها را ندارد، اما در اکثر قوانین مزبور، این اختیار داده شده است که بنا به ملاحظاتی همچون امنیت ملی یا منافع ملی از اجرای تحریم‌ها خودداری کند. رئیس جمهوری آمریکا براساس برجام متعهد شده است که از این اختیار خود در راستای اجرای برجام استفاده کند و عملاً نیز در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ این کار را کرده است. بر این مبنای رئیس جمهوری آمریکا سندی را تحت عنوان waiver صادر و اعلام کرد در صورت اجرای تعهدات هسته‌ای ایران براساس برجام، یکسری waiverها عملاً اجرایی خواهند شد. (م)

حمایت از تروریسم، همچنان اجرا می‌شوند (اتباع، شرکت‌ها و کسب و کارهای آمریکایی هنوز اجازه ورود به بخش انرژی ایران را ندارند).

با اجرای برجام، بسیاری از موانع سد راه بخش انرژی ایران مرتفع شده‌اند. دیگر محدودیتی بر صادرات وجود ندارد، سرمایه‌گذاری در بخش انرژی بار دیگر ممکن شده است و شرکت‌های بین‌المللی نفتی اروپا اجازه بازگشت به این کشور را پیدا کرده‌اند. بنا به قوانین اروپایی، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه هم دوباره اجازه تسهیل معامله و تجارت با ایران را یافته‌اند. با وجود این، چندین مسأله بحث‌انگیز همچنان لاینحل مانده‌اند. بازگشت خودکار تحریم‌ها^۱ (اگر ثابت شود که ایران توافق هسته‌ای را نقض کرده است)، اعمال برون‌مرزی قوانین ایالات متحده (در گذشته، دادگاه‌های ایالات متحده بانک‌های اروپایی را به خاطر معاملات مربوط به ایران متهم شناخته و به بیش از ۱۳ میلیارد دلار جریمه محکوم کرده‌اند) و تحریم‌های بالقوه تازه (کنگره ایالات متحده در این راستا طرح‌هایی را مدنظر دارد^۲)، از جمله این مسائل هستند. اما، روی هم رفته، برجام راه را برای همکاری بین‌المللی هموار ساخته است.

اجرای برجام توجه شرکت‌های بین‌المللی نفتی در سراسر جهان را جلب کرده است. در سراسر سال ۲۰۱۶، برخی از این شرکت‌ها راهی ایران شده و چندین یادداشت تفاهم امضاء کرده‌اند. شلومبرگر آمریکایی - هلندی،^۳ شل بریتانیایی-هلندی،^۴ شرکت ملی نفت چین،^۵ توتال فرانسه،^۶ وینترشال آلمان،^۷ سایپم ایتالیا،^۸ اینپکس ژاپن،^۹ دی‌ان‌او نروژی^{۱۰} و گازپروم روسیه^{۱۱} در شمار این شرکت‌ها هستند. با این حال، تا کنون هیچ قراردادی امضاء نشده است. مطالعات میدانی، گام‌های مقدماتی و عمده این یادداشت‌های تفاهم را تشکیل می‌دهند. تنها یک کنسرسیوم، متشکل از شرکت ملی نفت ایران، توتال و شرکت ملی نفت چین، «رئوس توافق» را امضاء کرده‌اند که به منزله گامی رو به جلو برای نهایی کردن قرارداد است. گرچه، در هر صورت، تصمیمات نهایی برای سرمایه‌گذاری و قراردادهای الزام‌آور حقوقی باید به سرانجام برسند (ر.ک. جدول ۱). در نتیجه، ایران هنوز منتظر است که سرمایه‌گذاری و فن‌آوری‌های جهانی وارد کشور شوند. در حقیقت،

۱ 'snapback' of sanctions

۲ مثلاً، «قانون تحریم‌های موشک بالستیک ایران مصوب ۲۰۱۶» و «قانون مقابله با تهدیدات ایران مصوب ۲۰۱۶» (جولای ۲۰۱۶) از جمله این تمهیدات هستند.

۳ American-Dutch Schlumberger

۴ British-Dutch Shell

۵ Chinese CNPC

۶ French Total

۷ German Wintershall

۸ Italian Saipem

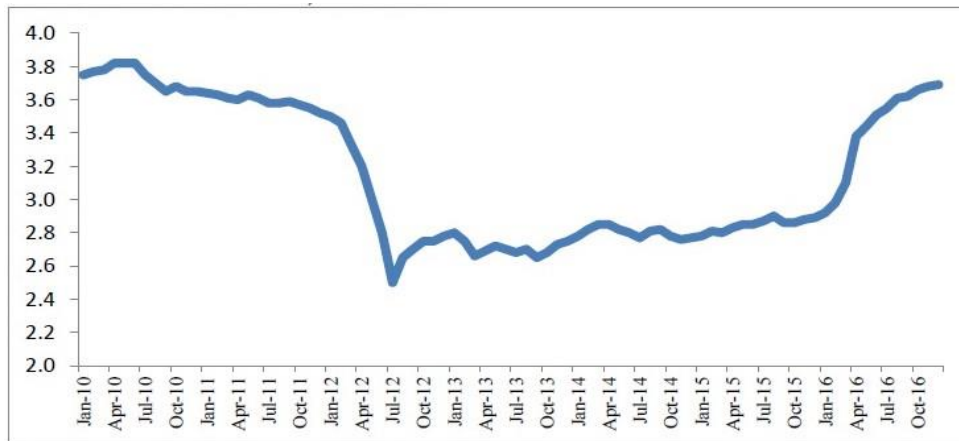
۹ Japanese Inpex

۱۰ Norwegian DNO

۱۱ Russian Gazprom

برجام هنوز به توسعه ظرفیت‌ها در بخش انرژی ایران منتهی نشده است. پیشرفتی که ایران تاکنون تجربه کرده، کم و بیش، بازگشت به موقعیت پیش از تحریم‌ها بوده است. تحریم‌هایی که سبب وارد آمدن خسارت شده بودند، از بین رفته‌اند و تولید و صادرات نفت به سطح پیش از تحریم‌ها بازگشته است (ر.ک. شکل ۱).

شکل ۱- تولید نفت ایران، میلیون بشکه در روز



Source: MEES

جدول ۱: قراردادهای بالادستی^۱ اعطا شده، یادداشت‌های تفاهم برای مطالعه و رئوس توافق (۲۰۱۶)

نوع	تاریخ	میدان	شرکا	اپراتور
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۲۴ ژانویه	آب تیمور / منصوره	ندارد	لوک اوپل
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۲۴ ژانویه	آزادگان جنوبی	ندارد	توتال
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۱۲ آوریل	چهار میدان در غرب ایران	ندارد	وینترسهل
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۴ می	حوزه زاگرس	ندارد	اوام،وی
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۱۳ ژوئیه	آبان / پایدار غرب	ندارد	زاروبزنف
قرارداد نفت ایران	۴ اکتبر	فاز ۲ یاران شمالی	ندارد	نفت و گاز پارس
قرارداد نفت ایران	۴ اکتبر	ازدیاد برداشت نفت کوپال	ندارد	نفت و گاز پارس
قرارداد نفت ایران	۴ اکتبر	ازدیاد برداشت نفت مارون	ندارد	نفت و گاز پارس
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۸ اکتبر	دهلران	ندارد	تات نفت
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۶ نوامبر	سومار	ندارد	پی جی نیگ
رئوس توافق	۸ نوامبر	فاز ۱۱ پارس جنوبی	شرکت ملی نفت چین (۳۰٪) پتروپارس (۱۹٫۵٪)	توتال (۵۰٪)
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۱۶ نوامبر	چنگوله	ندارد	دی.ان.او
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۲۳ نوامبر	شادگان / رگ سفید	ندارد	کنسرسیوم پرگس
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۲۷ نوامبر	شادگان / رگ سفید / پارسی	ندارد	شیلومبرگر
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۶ دسامبر	چنگوله / بلال / دالپری	ندارد	پی تی بی پی
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۷ دسامبر	آزادگان جنوبی / یادآوران / کیش گاز	ندارد	شل
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۱۳ دسامبر	چنگوله / چشمه / خوش	ندارد	گازپروم نفت
یادداشت تفاهم برای مطالعه	۲۲ دسامبر	آزادگان جنوبی / چشمه خوش	ندارد	پتروناس

Source: Energy Aspects: Middle East and Africa Quarterly, December issue, 2016.

۱ Upstream

صنایع بالادستی در صنعت نفت عبارتی است که عمدتاً به بخش جستجو، اکتشاف، حفاری و تولید نفت خام و گاز طبیعی اشاره دارد. صنایع بالادستی گاهی به نام اکتشاف و تولید هم شناخته می‌شود.

بازی قدرت داخلی: ایجاد یک موازنه

سیاست‌های بغرنج، قیمت پایین نفت و عرضه بیش از حد، مانع جهش بخش انرژی ایران شده است. این مسأله هم در ابعاد بین‌المللی و هم داخلی صادق است.

اجرای برجام در حالی صورت می‌گیرد که در پس‌زمینه آن منازعه سیاسی شدیدی در داخل ایران جریان دارد. جناح‌های مختلف بر سر قدرت و مسیر آینده کشور با هم رقابت دارند. اگر بخواهیم ساده بگوییم، دو گروه عمده وجود دارند. از یک سو، حسن روحانی رئیس‌جمهور و دولت نسبتاً میانه‌روی او که قصد ادغام دوباره سیاسی و اقتصادی ایران در جامعه بین‌المللی را دارند. دولت روحانی معتقد است که انزوا و موضع تقابلی با قدرت‌های بین‌المللی که در دوران احمدی‌نژاد باعث تحریم‌ها شد، نه از جمهوری اسلامی محافظت می‌کند و نه به این کشور اجازه می‌دهد که از ظرفیت بالقوه اقتصادی خود بهره‌بردارد. روحانی با وعده توافق هسته‌ای و بهبود اوضاع اقتصادی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۳ پیروز شد. بازیگران محافظه‌کارتر که به آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، و سپاه پاسداران نزدیک هستند، در سوی دیگر سپهر سیاسی قرار دارند. این گروه با بیان اینکه قدرت‌های بین‌المللی و مشخصاً ایالات متحده ذاتاً دشمن جمهوری اسلامی هستند، همکاری و تعامل بین‌المللی را مسیری منتهی به تضعیف و آسیب‌پذیری تلقی می‌کنند.

بنابراین، «اقتصاد مقاومتی» باید گسترش پیدا کرده و همکاری بین‌المللی باید به حداقل ممکن محدود شود.

به تعبیری، منازعه بین دو جناح، بازتابی از منافع مختلف حاصل از تحریم‌ها و لغو تحریم‌ها، به ترتیب، برای هر یک از این طرف‌ها است. دولت روحانی تحت فشار است که به مردم ایران نشان دهد برجام برای کشور سودمند است. به بیان دیگر، انتظار می‌رود که با رشد اقتصادی در پی لغو تحریم‌ها، موضع دولت هم تقویت شود. هرچند، محافظه‌کاران و خصوصاً شرکت‌ها و نهادهای وابسته به سپاه پاسداران از تحریم‌ها به طرز چشمگیری نفع برده‌اند. موقعیت اقتصادی و طبعاً سیاسی آن‌ها در غیاب رقابت خارجی بهتر شده است. انتظار می‌رود که این گروه تنها در صورتی با همکاری اقتصادی بین‌المللی حاصل از برجام موافقت کند که موقعیت اقتصادی‌اش تضعیف نشود.

از آنجا که نظام سیاسی ایران، اقتدار و اختیار عمل دولت را محدود می‌سازد (نظارتی مذهب بر نهادهای جمهوری وجود دارد)، نزاع قدرت بین دو گروه اساساً تمام حوزه‌های سیاستی و مخصوصاً بخش انرژی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. در اینجا، رقابت برای کنترل بخش صنعت و منافع اقتصادی رقیب، این نزاع را بیش از پیش افزایش می‌دهند.

به‌طور سنتی، شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه آن مسئولیت اداره صنعت انرژی ایران را در اختیار دارند. شرکت ملی نفت ایران تحت کنترل و مدیریت وزیر نفت و در نتیجه دولت است. هرچند، در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، سپاه پاسداران وارد بخش انرژی شد. در سال ۲۰۱۱، محمود احمدی‌نژاد (که

خود از اعضای پیشین سپاه بوده) رستم قاسمی (فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء، مجموعه اقتصادی سپاه) را به عنوان وزارت نفت منصوب کرد. سپاه پاسداران که مورد استقبال حکومت قرار گرفته بود، در صدد پُر کردن خلایی برآمد که خروج شرکت‌های بین‌المللی نفتی غربی از کشور برجای گذاشته بود.

در سال ۲۰۱۳ وقتی حسن روحانی به قدرت رسید، سپاه جای پای خود را در صنعت انرژی تثبیت کرده بود. روحانی، بیژن زنگنه باتجربه و تکنوکراتی که در مقام وزیر نفت (۲۰۰۵-۱۹۹۷) و وزیر نیرو (۹۷-۱۹۸۸) خدمت کرده بود را جایگزین قاسمی کرد. اما حضور شرکت‌های وابسته به سپاه به راحتی کمرنگ نشد. دولت روحانی هر چند در تلاش است که سپاه را مهار کند -از جمله این تلاش‌ها، بهره گرفتن از تعهدهای علنی برای مقابله با فساد بود که به نظر می‌رسید خطاب و اشاره آن سپاه پاسداران باشد^۱- اما در عین حال هنوز به دنبال یافتن مصالحه‌ای موقت است. شکلی از اجماع، خصوصاً برای تحقق بخشیدن به قانون جدید نفتی، یعنی قرارداد نفتی ایران^۲ لازم و ضروری بود. دولت روحانی از طریق قرارداد نفتی ایران در صدد ارائه شرایطی جذاب‌تر برای شرکت‌های بین‌المللی نفتی برآمد که به دفعات از عدم جذابیت طرح بیع متقابل موجود، شکوه کرده بودند. با این حال، پیش‌نویس قرارداد نفتی ایران، تأیید مجلس^۳ و در نتیجه شورای نگهبان -که به‌طور غیررسمی در کنترل رهبری است- را لازم داشت. بنابراین، روحانی و زنگنه وزیر نفت باید یک موازنه ایجاد می‌کردند. منافع جبهه محافظه‌کاران و سپاه هم به لحاظ سیاستی و هم منافع تجاری، باید در نظر گرفته می‌شد. چارچوب قانونی قرارداد نفتی ایران که در سپتامبر ۲۰۱۶ به تصویب مجلس رسید، از تلاش برای انجام این کار حکایت دارد. از یک سو، قرارداد نفتی ایران تلاش می‌کند که شرایطی جذاب را پیش پای شرکت‌های بین‌المللی نفتی بگذارد؛ برخلاف طرح بیع متقابل امکان رزرو ذخایر را فراهم می‌کند؛ اجرت کار انعطاف‌پذیرتر است و می‌تواند هم نقدی و هم از طریق شبکه‌های نفت باشد. از سوی دیگر، قرارداد نفتی ایران نگرانی‌های محافظه‌کاران (و قانون اساسی سختگیرانه ایران) را نیز لحاظ می‌کند؛ مالکیت خارجی بر ذخایر ممکن نیست و شرکت‌های بین‌المللی نفتی باید برای افزایش توانمندی‌های داخلی با یک شرکت ایرانی شراکت کنند. به علاوه، این قرارداد تضمین می‌کند که کسب و کارهای ایرانی (و سهامداران آن‌ها) مستقیماً درگیر توسعه نفت و گاز طبیعی ایران باشند. به این ترتیب، قرارداد نفتی ایران در صدد آشتی دادن برنامه‌های نسبتاً متناقض «همکاری بین‌المللی» و «اقتصاد مقاومتی» برمی‌آید.

با این حال، تا اینجای کار، جز چارچوب قانونی قرارداد نفتی ایران، هیچ قرارداد نهایی منعقد نشده است. محافظه‌کاران متفرد، دولت را به لطمه زدن به «اقتصاد مقاومتی» متهم می‌کنند.^۴ تنش و کشمکش زیادی بر سر

^۱ Karami, Arash: 'Rouhani criticizes consolidation of power in government', Al-Monitor, 2014.

^۲ Iran Petroleum Contract (IPC)

^۳ در اواسط سال ۲۰۱۶، در ایران این بحث جریان داشت که آیا قرارداد نفتی ایران تأیید مجلس را لازم دارد یا نه. در نهایت، قرارداد نفتی ایران تقدیم مجلس شد.

^۴ E.g. Mohsen Rezaee, Secretary General of the Expediency Discernment Council, see Mashregh News:

'Rezaee: oil contracts are against the resistance economy and very dangerous' (in Farsi), 22 August 2016.

این مسأله جریان دارد، تمام طرف‌ها به دنبال نفوذ بیشتر خود هستند. به نظر می‌رسد که از ژانویه ۲۰۱۷ به جای پیروی از یک رویکرد جامع، شرایط قراردادهای مورد به مورد و جداگانه مورد مذاکره قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر، تلاش حسن روحانی برای ایجاد موازنه با تلاش دولت برای سازگاری منافع ظاهراً واگرا همچنان ادامه خواهد یافت.

دولت روحانی علاوه بر تدوین و تصویب قانون، در چارچوب تجارت هم به دنبال تعامل با محافظه‌کاران است. زنگنه وزیر نفت که در جمع اعضای سپاه صحبت می‌کرد، اظهار داشت که هلدینگ اقتصادی سپاه، خاتم‌الانبیاء، می‌تواند به عنوان بخشی از قرارداد نفتی ایران «جایگاه مهمی» داشته باشد. زنگنه بعد از شرحی مفصل درباره چگونگی حضور سپاه اعلام کرد که بیشتر از نصف قراردادهای نفتی جدید به شرکت‌های ایرانی خواهد رسید.^۱

تعامل دولت با محافظه‌کاران و سپاه شکل عملی به خود گرفته است. این نه شرکت‌های بین‌المللی نفتی بلکه یک شرکت وابسته به محافظه‌کاران یعنی شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا بود که بعد از معرفی چارچوب حقوقی قرارداد نفتی ایران، اولین قرارداد نفتی را به دست آورد. در اکتبر ۲۰۱۶، شرکت ملی نفت ایران برای توسعه چهار میدان نفتی با شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا توافقی را به امضاء رساند. توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا یکی از شرکت‌های تابعه ستاد اجرایی فرمان امام است که یک هلدینگ تحت نظارت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران است.

پیش‌تر در ژوئیه ۲۰۱۶، وزارت نفت فهرستی از شرکت‌های داخلی واجد شرایط تقاضا برای همکاری بین‌المللی در چارچوب قرارداد نفتی ایران را منتشر کرد. از هشت شرکتی که تأییدیه رسمی حکومت را دریافت کردند، سه شرکت با محافظه‌کاران و/یا سپاه پاسداران پیوندهای مستقیمی دارند (علاوه بر خاتم‌الانبیاء و شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران هم از این جمله است).^۲ ظاهراً دولت روحانی می‌خواهد با همراه کردن محافظه‌کاران در هموار ساختن مسیر قراردادهای نفتی ایران توفیق یابد. در این زمینه مسأله مهمتری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که چارچوب حقوقی قرارداد نفتی ایران تصریح می‌کند که صلاحیت شرکت‌های داخلی و شرکت‌های بین‌المللی نفتی که خواهان حضور در ایران هستند، باید از سوی وزارت نفت تأیید شود. بدین طریق، حکومت در عمل (همچنان) دربان صنعت انرژی ایران خواهد بود. دولت با اینکه برای فراهم ساختن منافع محافظه‌کاران و سپاه پاسداران دست به برقراری یک موازنه زده است، همچنان زمام امور را در اختیار دارد.

^۱ Fars News: 'Necessity of the presence of the headquarters [short version of Khatam al-Anbiya's full name in Farsi] in new oil contracts' (in Farsi), 12 December 2016.

^۲ Upstream: 'Iran reveals locals listed for foreign partnerships', 8 July 2016.

همکاری بین‌المللی: محکم‌کاری

وقتی صحبت از همکاری بین‌المللی نیز به میان می‌آید، این مسأله صادق است. حکومت روحانی همانند وضعیت داخل در تلاش است که بین منافع گوناگون موازنه برقرار کند. ایران با وجود فرصت‌ها و مخاطرات سیاسی و اقتصادی سعی می‌کند به تعهدات خود تنوع بدهد.

صنعت انرژی ایران احتیاج شدیدی به سرمایه‌گذاری دارد. بی‌شک، بخش انرژی، قبل از ضربه ناشی از تحریم‌های سال‌های اخیر، به خاطر شرایط مالی نسبتاً غیرجذاب در چارچوب طرح بیع متقابل دچار دهه‌ها کمبود سرمایه‌گذاری بوده است. به گفته بیژن زنگنه، صنعت انرژی نیازمند بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است.^۱

همان‌طور که پیش‌تر هم مطرح شد، اجرای برجام در ژانویه ۲۰۱۶ امکان همکاری بین‌المللی در بخش انرژی ایران را فراهم ساخت. مقامات ایرانی هم‌زمان با انعقاد و اجرای برجام، کسب و کارهای بین‌المللی را به این کشور دعوت کردند. از زمان توافق برجام در ژوئیه ۲۰۱۵، تهران شاهد رفت و آمدهای مکرر هیأت‌های بلندپایه سیاسی و تجاری مختلف بوده است. از اروپا، فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، لورن فابیوس^۲ و استفان لوفول^۳، وزرای امور خارجه و کشاورزی فرانسه، فرانک والتر اشتاین‌مایر^۴ و زیگمار گابریل^۵، وزرای خارجه و اقتصاد آلمان، ماتئو رنتسی^۶ نخست‌وزیر ایتالیا و فیلیپ هاموند^۷ وزیر خارجه بریتانیا همگی به ایران سفر کرده‌اند. گرم شدن روابط سیاسی در قالب امضای چند قرارداد نمود یافت؛ توافقی‌های پر سروصدا با ایرباس، بوئینگ، پژو-سیتروئن، رنو و زیمنس از این جمله بودند.

بخش انرژی ایران توجه جهان را به خود معطوف کرده است. تهران پذیرای ده‌ها شرکت بین‌المللی نفتی بوده که علاقه خود برای حضور در ایران را ابراز داشته و به دنبال فرصت هستند. این امر موجب امضای چندین قرارداد اولیه (ر.ک. جدول ۱) شده است. با این حال، برخلاف اوضاع شاخه‌های دیگر اقتصاد، در بخش انرژی ایران هنوز هیچ قراردادی به سرانجام نرسیده است. ایران با عنایت به این شرایط، درصدد نهایی ساختن این قراردادها با شرکت‌های بین‌المللی نفتی است و می‌خواهد سرمایه و فن‌آوری را وارد کشور کند. دولت با انجام این مهم تلاش می‌کند که به چند هدف دست پیدا کند.

در کل، به نظر می‌رسد که رویکرد تهران به همکاری بین‌المللی از تمایل این کشور برای تنوع بخشیدن به تعاملات خود ناشی شود: ایران دارد محکم‌کاری می‌کند. تهران در عوض تمرکز بر همکاری با شرکت‌های

^۱ IRNA: 'Zanganeh: \$100bn investment in upstream oil industry needed', 4 October 2016.

^۲ Laurent Fabius

^۳ Stephane Le Foll

^۴ Frank-Walter Steinmeier

^۵ Sigmar Gabriel

^۶ Matteo Renzi

^۷ Philip Hammond

بین‌المللی نفتی اروپایی که اکنون اجازه بازگشت به این کشور را پیدا کرده‌اند و تازه‌ترین فن‌آوری روز را عرضه می‌کنند، مشغول گفتگو هم با شرکت‌های شرقی و هم با شرکت‌های غربی شده است. فهرستی که شرکت ملی نفت ایران به تازگی منتشر کرده، به معرفی شرکت‌های بین‌المللی نفتی می‌پردازد که در اولین مناقصه جاری برای پروژه‌های نفتی و گاز طبیعی اجازه حضور پیدا می‌کنند. با اینکه شرکت‌های بین‌المللی نفتی اروپایی (از جمله شرکت‌های بزرگ) در این فهرست به چشم می‌خورند، بیش از نصف آن را شرکت‌های آسیایی و روسیه تشکیل می‌دهند (ر.ک. جدول ۲).

جدول ۲: شرکت‌های بین‌المللی نفتی واجد صلاحیت برای شرکت در مناقصات جاری نفت و گاز طبیعی

شرکت ملی نفت فلات قاره چین (چین)	لوک‌اویل (روسیه)	پوسکو-دوو (کره جنوبی)
شرکت ملی نفت چین (چین)	مرسک (دانمارک)	PTTEP (تایلند)
CNPW (چین)	میتسوبیسی (ژاپن)	شلومبرگر (هلند / ایالات متحده)
DNO (نروژ)	OMV (استرالیا)	شل (هلند / بریتانیا)
انی (ایتالیا)	او ان جی سی ویدش (هند)	ساینوپک (چین)
گازپروم (روسیه)	پرنکو (فرانسه / بریتانیا)	توتال (فرانسه)
اینپکس (ژاپن)	پرتامینا (اندونزی)	وینترشال (آلمان)
ایتاچو (ژاپن)	پی‌جی‌نیگ (لهستان)	
شرکت گاز کره (کره جنوبی)	پلاس پترول (آرژانتین)	

Source: NIOC^۱

به این ترتیب، ظاهراً ایران در تلاش است تا در پرتو سیاست‌های پیچیده بین‌المللی موقعیتی متنوع و چندگونه ایجاد نماید. تجربه نشان می‌دهد که تحریم‌های اتحادیه اروپا در اوایل دهه ۲۰۱۰ به بخش انرژی ایران لطمه زده است. در آن زمان، علی‌الخصوص، شرکت‌های چینی در ایران باقی ماندند. اگرچه به طرز گسترده‌ای در ایران شکوه و گلایه‌ها از عملکرد ضعیف آنها به گوش می‌رسید، با این اوصاف شرکت‌های آسیایی به تداوم فعالیت بخش انرژی ایران کمک کرده‌اند. ایران با دعوت از این شرکت‌ها برای حضور در بخش انرژی (و بخش‌های دیگر اقتصادی) تاحدی وفاداری این کشورها در روزگار تحریم را پاس می‌دارد. زنگنه وزیر نفت در دیدار آوریل ۲۰۱۵ از پکن، سه ماه پیش از انجام توافق برجام، اعلام کرد که چین در شرایط تحریم‌ها با ایران همکاری زیادی داشته است و ما دوست داریم که با رفع تحریم‌ها نیز این همکاری همچنان ادامه پیدا کند.^۲

با این حال، حضور چین و روسیه حکایتی بیش از ابراز قدردانی دارد. در هر دو مورد، شرکت‌های انرژی یا دولتی هستند یا پیوندهای نزدیکی با دولت دارند. ایران با دعوت از شرکت‌های چینی و روسی روابط خود با حکومت‌های این کشورها را هم تحکیم می‌کند. به تعبیری کلی‌تر، بخش انرژی در چارچوبی قرار می‌گیرد که می‌تواند تحکیم اساسی‌تر روابط سیاسی و اقتصادی تهران با پکن و مسکو تعبیر شود - روند مهمی که در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم. این مسأله به ایران کمک می‌کند که از خود در برابر وابستگی یک‌جانبه به

^۱ NIOC: 'List of Qualified Applicants', National Iranian Oil Company, Tehran, 2016.

^۲ PressTV: 'Iran, China to increase energy cooperation when sanctions removed: Zanganeh', 10 April 2015.

اروپا و به‌طور کلی غرب حفاظت کند. امروز، اتحادیه اروپا و دولت‌های اصلی عضو آن کاملاً از برجام حمایت کرده و آن را نمونه‌ای نادر از دیپلماسی موفق اروپایی می‌دانند. هرچند، حالا که قرار است دولت ترامپ قدرت در واشنگتن را به دست بگیرد، آینده روابط ایران-ایالات متحده مبهم شده است. کشورهای اروپایی حتی اگر همچنان هم از برجام حمایت کنند، به دلیل احتمال افزایش اجرای فرامرضی قوانین ایالات متحده، این امکان وجود دارد که روابط تجاری اتحادیه اروپا-ایران دستخوش پیامدهایی شوند. همچنین احتمال تحریم‌های تازه ایالات متحده یا در بدترین حالت، کناره‌گیری ایالات متحده از برجام هم وجود دارد. بی‌شک در صورتی که روابط ایران-ایالات متحده رو به وخامت بگذارد، مشکلات بر سر راه همکاری ایران و شرکت‌های بین‌المللی نفتی اروپایی وجود خواهد داشت. در هر سناریویی، همکاری با چین و روسیه که احتمالاً کمتر تحت‌الشعاع روابط ایران-ایالات متحده خواهد بود، می‌تواند تا حدی نقش یک سپر و ضربه‌گیر را برای ایران ایفا کند.

به نظر می‌رسد که تهران در کوتاه مدت نه تنها متغیرهای تجارت را به محدودترین شکل کلمه در نظر می‌گیرد، بلکه منطق ژئوپلیتیک را هم در محاسبات خود می‌گنجاند. به این ترتیب، از حضور شرکت‌های بین‌المللی نفتی استقبال می‌شود، هرچند که قرار نیست این امر به قیمت از دست رفتن روابط تازه تحکیم‌شده آن با آسیا و علی‌الخصوص چین و روسیه تمام شود.

از نظر اهداف عینی، ایران در کوتاه مدت خواهان دستیابی به موفقیت‌های نمادین در عرصه بین‌المللی انرژی است. حسن روحانی که به دنبال انتخاب مجدد خود در ماه مه ۲۰۱۷ است، باید برخی از مزایای حاصل از برجام را به مردم ایران نشان دهد. تدریجاً دولت را به صرف‌نظر از حقوق هسته‌ای بدون تاوان و جبران مناسب متهم کرده‌اند. روحانی بعد از آنکه وعده داد برای دستیابی به یک توافق هسته‌ای مذاکره می‌کند، اکنون باید به دومین وعده کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۳ خود جامه عمل بپوشاند: احیا و رونق اقتصادی. گرچه کشور در مسیر رشد قرار گرفته و تورم هم تا اندازه‌ای مهار شده است، اکثر ایرانی‌ها هنوز انتظار دارند که شاهد بهبود وضعیت فردی خودشان باشند. بی‌تردید، پیشرفت پایدار و همه‌جانبه زمان می‌برد و کشور تازه از تحریم‌ها خلاص شده و در حال بازگشت به وضعیت عادی است: اگر حکومت بخواهد روابط تجاری بین‌المللی خود را گسترش دهد، دستاوردهای نمادین اهمیت بسزایی پیدا می‌کنند.

در این راستا، ایران در بخش انرژی سریعاً درصدد تثبیت موقعیت پیش از تحریم‌های خود برآمد. در پی افزایش تولید، سهم بازار بر ملاحظات درآمدی اولویت پیدا کرد. از آنجا بودجه دولت ایران به قیمت پایین نفت تن داده، چندان محتمل به نظر نمی‌رسد که افزایش درآمد نفتی در کوتاه مدت انگیزه‌ای تعیین‌کننده بوده باشد. در مقایسه با سایر تولیدکنندگان نفت، ایران به این دلایل موقعیت نسبتاً بهتری برای تحمل قیمت پایین نفت دارد: سهم کمتر درآمدهای نفتی در بودجه دولت و تولید ناخالص داخلی، تراز تجاری غیرنفتی مثبت،

فعالیت اقتصادی (رو به رشد) در خارج از بخش انرژی و دسترسی به میلیاردها دلار آمریکا در بانک‌های بین‌المللی (که پیش‌تر مسدود شده‌اند) به عنوان بخشی از اجرای برجام.^۱

سیاست ایران در قبال اوپک، همانند بازگشت به موقعیت پیش از تحریم‌های آن، از اهمیت نمادین زیادی برخوردار است. توافق اوپک در نوامبر ۲۰۱۶ ایران را از کاهش تولید مستثنی کرد و سطح تولید پیش از تحریم‌ها را به عنوان مرجع تولید ایران به رسمیت شناخت. به این ترتیب، اوپک صراحتاً بر این ادعای ایران صحه گذاشت که کاهش تولید در زمان تحریم‌ها، عادی نبوده یا به بیان خود ایرانی‌ها «ناعادلانه» بوده است. در نتیجه، ایران اجازه یافت که تولید خود را تا حدی افزایش دهد، در حالی که رقبای بزرگ آن، عربستان سعودی، روسیه‌ای که عضو اوپک نیست و کشورهای دیگر تولید خود را کاهش داده‌اند. در ایران، این مسأله به عنوان یک پیروزی بزرگ برای هیأت نمایندگی ایران در اوپک به رهبری زنگنه، وزیر نفت، مورد تمجید قرار گرفت. حتی رسانه‌ها تا آنجا پیش رفتند که توافق اوپک را با حرارت به عنوان یک «برجام نفتی» ستودند.^۲ برای دولت ایران که مشتاق است به مردم نشان دهد برجام برای ایران سودمند بوده، توافق اوپک صرف‌نظر از مزایای اقتصادی‌اش اهمیت دارد. این کشور توانسته که با توفیق روزافزون موقعیت پیش از تحریم‌های خود را بازیابد و قادر بوده که برای مستثنی ساختن ایران از اوپک، علی‌رغم ماه‌ها مخالفت ریاض، ریزنی نماید. در نتیجه، ایران با دلیل و مدرک نشان داده که به تجارت جهانی انرژی بازگشته است.

اهمیت پیام بازگشت به تجارت انرژی برای ایران در دستیابی به اهداف بلندمدت‌تر آن است. تهران برای بهره‌گرفتن از ظرفیت بالقوه کامل ذخایر انرژی خود، نیازمند جذب سرمایه بین‌المللی و فن‌آوری خواهد بود. در غیر این صورت، بخش انرژی ایران در حالی توسعه‌نیافته باقی خواهد ماند که این کشور بزرگترین ذخایر ترکیبی نفت و گاز طبیعی (۱۳ درصد از کل جهان) را دارد اما تنها حدود ۴/۷ درصد از تولید جهانی را به خود اختصاص می‌دهد.^۳

بازگشت همراه با موانع: مسیر پیش رو

اجرای برجام در ژانویه ۲۰۱۶ امکان بازگشت ایران به بازارهای بین‌المللی انرژی را فراهم ساخته است. حسن روحانی در تلاش است که این فرصت را غنیمت بشمرد. در داخل، قانون نفتی جدید تدوین و تصویب شد. هم‌زمان، دولت در صدد است که برای جلب حمایت عناصر محافظه‌کارتر جمهوری اسلامی، یک موازنه ایجاد کند. در عرصه بین‌المللی، تهران در حال محکم‌کاری است. ایران با هدف تنوع بخشیدن به تعاملات خود در تلاش است که در صورت پیش آمدن در دسرها و گرفتاری‌های تازه در روابط خود با غرب، از صدمات بالقوه بکاهد.

^۱ Jalilvand, David Ramin: '5 reasons Iran will be able to wait out low oil prices', Al-Monitor, 2016.

^۲ Barjame nafti – in reference to the Iranian acronym for the JCPOA. See Khabar Online: 'Oil diplomacy realised oil Barjam', (in Farsi), 1 December 2016.

^۳ Figures for 2015, see BP: BP Statistical Review of World Energy June 2016, London, 2016.

سیاست انرژی ایران در صدد محقق ساختن اهداف متعدد است و از رهگذر ارتباط با شرکت‌های بین‌المللی نفتی در پی این کار است. همکاری بین‌المللی به ایران کمک خواهد کرد که خروجی میدان‌های نفتی که در حال تولید هستند را حفظ نماید. بسیاری از میدان‌های نفتی ایران منقضی شده‌اند و نیازمند فن‌آوری‌های احیای پیشرفته هستند.^۱ به علاوه، ایران مشتاق است که تولید خود را در میادین مشترک نفت و گاز طبیعی افزایش دهد. در بسیاری از موارد، کشورهای همسایه به لطف حمایت شرکت‌های بین‌المللی نفتی در حال تولید به میزان بیشتری هستند. هم‌زمان، همکاری بین‌المللی باید به انتقال فناوری و ایجاد قابلیت‌های داخلی، هم در صنایع بالادستی و هم پایین‌دستی، کمک کند. این تبادلات با تداوم استفاده داخلی فزاینده از انرژی همراه است. ایران در حالی که تلاش می‌کند ایجاد ثروت داخلی (یا به بیان دیگر رشد اقتصادی) را افزایش و وابستگی خود به بازارها و سیاست بین‌المللی را کاهش دهد، در داخل از صرفه‌جویی مصرف گاز طبیعی حمایت خواهد کرد. ایران امیدوار است که در صورت مهار صرف داخلی، بتواند با حمایت شرکت‌های بین‌المللی نفتی در راستای دستیابی به پایانه‌های صادرات گاز طبیعی مایع (ال.ان.جی) تلاش کند. با این حال، بازگشت ایران به بازار بین‌المللی انرژی با موانعی مواجه است: عدم اطمینان‌های سیاسی و اقتصادی سر برآورده‌اند.

در داخل، تا زمانی که عملاً اولین قرارداد با شرکت‌های بین‌المللی نفتی امضاء نشود، طرح نهایی قرارداد نفتی ایران نامعلوم خواهد بود. تنها آن موقع است که مشخص می‌شود تلاش‌های دولت روحانی برای ایجاد یک موازنه موفق بوده و این موفقیت تا چه اندازه است. در این رابطه، دخالت سپاه پاسداران که ظاهراً به دلایل سیاسی داخلی یک ضرورت محسوب می‌شود، نگرانی‌های بین‌المللی را افزایش داده است. دولت برای آنکه تحریم‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده را نقض نکند، باید شیوه‌ای بیابد که به سپاه اجازه دهد سهم خود در بخش انرژی را داشته باشد و در عین حال تعامل با شرکت‌های بین‌المللی نفتی را هم تحت تأثیر قرار ندهد. به بیان دیگر، شرکت‌های بین‌المللی نفتی و سپاه پاسداران، هم‌زمانی که هر دو در بخش انرژی ایران فعالیت می‌کنند، باید از هم جدا نگه داشته شود.

در نهایت، دونالد ترامپ که به تازگی سکان هدایت کاخ سفید را در اختیار گرفته بر بخش انرژی ایران سایه افکنده است که بخشی از بی‌ثباتی کلی‌تر در ارتباط با آینده روابط ایران-ایالات متحده و اجرای برجام محسوب می‌شود.^۲ دونالد ترامپ، قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، نارضایتی خود از برجام را با قاطعیت ابراز داشته است. در این مرحله، مسیر واقعی سیاست آینده ایالات متحده در قبال ایران مشخص نیست و هنوز زود است که در مورد یک تغییر جهت اساسی صحبت کنیم. با همه این اوصاف،

^۱ To illustrate this point: in 2011, according to official data, Iran re-injected some 31 bcm into maturing oil fields. See OPEC: 'Annual Statistical Bulletin', Organization of the Petroleum Exporting Countries, Vienna, 2016.

^۲ ICG: 'President Trump and the Art of the Iran Nuclear Deal', International Crisis Group, Brussels, 2016.

تردیدها پیرامون آینده برجام افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و برای اروپایی‌ها و طرف‌های دیگر حاضر در بخش انرژی ایران تبعات بالقوه‌ای دارد.

با بررسی سیاست داخلی و بین‌المللی پیچیده‌ای که چارچوب بخش انرژی ایران و ابعاد همکاری بین‌المللی احتمالی را تعیین می‌کنند، از دولت حسن روحانی انتظار می‌رود که رویکرد کنونی خود را حفظ کند. حسن روحانی و زنگنه وزیر نفت، با وجود تردیدهای حاکم بر اوضاع، مشغول سرعت بخشیدن به بازگشت ایران به بازار جهانی انرژی هستند. در این حین، همچنان تلاش می‌کنند که در داخل یک موازنه برقرار ساخته و در عرصه‌المللی هم جانب احتیاط را رعایت کرده و محکم‌کاری نمایند.

در این اثنا و با وجود انتخابات آتی ریاست‌جمهوری در ماه مه در ایران، باید به انتظار بنشینیم و ببینیم که روحانی امکان و فرصت حفظ قدرت و تداوم رویکرد خود را می‌یابد یا نه. بی‌شک، انعقاد قراردادها با شرکت‌های بین‌المللی نفتی به عنوان گواهی بر سودمندی برجام، در این راستا بسیار کمک حال خواهد بود.



Iranian Energy a comeback with hurdles

Oxford Institute for Energy Studies

**Translated By
Presidential Center for Strategic Studies
2017**